

لَنَا عِلْمًا هَادِيًا ، فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزِي ، إِلَى أَنْ

و پرچم هدایت برای ما برپا می نمودی تا بر این اساس از آیات پیروی می کردیم، پیش از آنکه

انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خوار و رسوا شویم، تا اینکه مقام رسالت و هدایت را به حبیب و برگزیده ات محمد (درود خدا بر او

وَالِهِ ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ ، وَصَفْوَةَ مَنْ

و خاندانش) رساندی، پس بود همانگونه که او را برگزیدی، سرور مخلوقات، و برگزیده

اصْطَفَيْتَهُ ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ ، وَآكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ ،

برگزیدگانت، و برترین انتخاب شدگانت، و گرامی ترین معتمدانت،

قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ ،

او را بر پیامبران مقدم نمودی، و بر جن و انس از بندگان برانگیختی

وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ ، وَعَرَجْتَ

و مشرقها و مغربها را زیر پایش گذاردی، و براق را برایش مسخر ساختی، و آن شخصیت

بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ ،

بزرگ را به آسمانت بالا بردی، و دانش آنچه بوده، و خواهد بود تا سپری شدن

إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ ، وَخَفَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ

آفرینشت به او سپردی، سپس او را با فرو انداختن هراس در دل دشمن یاری دادی، و به جبرائیل

وَمِيكَائِيلَ ، وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهَرَ

و میکائیل و نشان داران از فرشتگانت قرار گرفتی، و به او وعده دادی که

دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ

دینش را بر همه دینها پیروز گردانی گرچه مشرکان را خوش نیاید، و این کار پس از آن بود

بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ

که در جایگاه راستی از اهلش جایش دادی، و قرار دادی برای او و ایشان نخستین خانه ای

وُضِعَ لِلنَّاسِ ، لَئَلَّيْ بَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ؛ فِيهِ آيَاتٌ

که برای مردم بنا شد، که در مکه است، خانه بابرکت، و مایه راهنمایی برای جهانیان، در آن خانه نشانه های آشکاری

بَيِّنَاتٌ ، مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ، وَقُلْتُ : ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ

است، مقام ابراهیم، و هر که وارد آن شد، در امان بود، و در حق آنان فرمودی: جز این نیست که خدا اراده فرموده،

اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛

پلیدی را از شما خانواده ببرد، و شما را پاک گرداند، پاک کردنی شایسته،

ثُمَّ جَعَلَتْ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ،

سپس پاداش محمد را در قرانت مودت اهل بیت او قرار دادی، و فرمودی بگو من از شما برای رسالت پاداشی

فَقُلْتَ: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾،

جز مودت نزدیکانم نمی خواهم، و فرمودی: آنچه به عنوان پاداش از شما خواستم،

وَقُلْتَ: ﴿مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾، وَقُلْتَ: ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ

آن هم به سود شماست، و فرمودی: من از شما برای رسالت پاداشی نمی خواهم،

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرِ الْإِيمَانِ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾؛ فَكَانُوا هُمْ

جز کسی که بخواهد، راهی به جانب پروردگارش بگیرد، پس آنان

السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ،

راه به سوی تو بودند، و راه به حریم خشنودیات، آنگاه که روزگار آن حضرت سپری شد،

أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا،

نماینده اش علی بن ابیطالب (درود تو بر آن دو و خاندانشان باد) را، برای راهنمایی برگماشت،

إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ

چرا که او بیم دهنده، و برای هر قومی راهنما بود، پس در حالی که انبوهی از مردم در برابرش بودند فرمود:

كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ

هر که من سرپرست او بودم، پس علی سرپرست اوست، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد، و دشمن بدار

عَادَاهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ: مَنْ

کسی را که دشمن علی است، و یاری کن هر که او را یاری کند، و خوار کن هر که او را وا گذارد، و فرمود: هر که من

كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلَيْ أَمِيرِهِ، وَقَالَ: أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ،

پیامبرش بودم، پس علی فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از یک درخت هستیم،

وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،

و سایر مردم از درختهای گوناگونند، و جایگاه او را نسبت به خود همچون جایگاه هارون به موسی قرار داد،

فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ

و به او فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسایی، جز اینکه پس از من

بَعْدِي ، وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَاحِلٌ لَهُ مِنْ

پیامبری نیست، و دخترش سرور بانوان جهانیان را به همسری او در آورد، و از

مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ

مسجدش برای او حلال کرد، آنچه را برای خودش حلال بود، و همه درهایی را که به مسجد باز می شد بست مگر

وَحِكْمَتَهُ ، فَقَالَ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيُّ بَابُهَا ، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ

در خانه او را، آنگاه علم و حکمتش را به او سپرد، و فرمود: من شهر علم و علی در آن شهر است، پس هر که اراده شهر

وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي ،

علم و حکمت کند، باید از در آن وارد شود، سپس گفت: تو برادر و جانشین و وارث منی،

لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي ، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي ، وَسِلْمُكَ سِلْمِي ،

گوشت از گوشت من، و خونت از خون من، و آشتی با تو، آشتی با من،

وَحَرْبُكَ حَرْبِي ، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِكَ ، كَمَا خَالَطَ

و جنگ با تو، جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده، چنان که

لَحْمِي وَدَمِي ، وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي ، وَأَنْتَ تَقْضِي

با گوشت و خون من در آمیخته و تو فردای قیامت کنار حوض کوثر جانشین منی، و تو قرض

دِينِي ، وَتُنْجِزُ عِدَاتِي ، وَشَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نَوْرِ ، مُبِيضَةً

رامی پردازی، و به وعده های من وفا می کنی، و شیعیان تو بر منبرهایی از نورند، در حالی که رویشان

وُجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ ، وَهُمْ جِيرَانِي ، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ ،

سپید، و در بهشت پیرامون من، و همسایگان منند، و اگر تو ای علی نبودی،

لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي ، وَكَانَ بَعْدِي هُدًى مِنَ الضَّلَالِ ،

اهل ایمان پس از من شناخته نمی شدند، و آن حضرت پس از پیامبر، مایه هدایت از گمراهی،

وَنُورًا مِنَ الْعَمَى ، وَحَبَلَ اللَّهُ الْمَتِينَ ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ ،

و نور از نابینایی و ریسمان استوار خدا و راه راست او بود،

لَا يُسَبِّقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ ، وَلَا يُلْحَقُ فِي

با نزدیکی اش در خویشاوندی به رسول خدا، کسی بر او پیشی نگرفت، و همچنین با سابقه اش در دین، کسی

مَنْقَبَةٌ مِنْ مَنْاقِبِهِ ، يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا

بر او مقدم نبود، و در فضیلتی از فضائل هیچکس به او نرسید، کار پیامبر (درود خدا بر او

وَ إِلَهُمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

و خاندانش را پی گرفت، و براساس تأویل قرآن جنگ می کرد، و درباره خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده ای را به خود

قَدْ وَتَرَفِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطَاهُمُ، وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ،

نمی گرفت، خون شجاعان عرب را، در راه خدا به زمین ریخت، و دلاوران را از دم تیغ گذراند و با گرگانشان در افتاد،

فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا بِدَرِيَّةٍ وَخَيْرِيَّةٍ، وَحُنَيْنِيَّةٍ وَغَيْرُهُنَّ،

پس به دلهايشان کينه سپرد، کينه جنگ بدر و خيبر و حنين و غير آنها را،

فَاضْتَبَّتْ (فَاضَتْ) عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَآكَبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ،

پس دشمنی او را در نهاد خود جا دادند و به جنگ با او رو آوردند،

حَتَّى قَتَلَ التَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ،

تا پيمان شکنان و جفا پيشگان و خارج شدگان و از دايره دين را

وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ (أَشَقَى

کشت، و هنگامی که در گذشت و او را بدبخت ترين پسينيان، که از بدبخت ترين پيشينيان پيروي کرد،

الْأَشَقِيَاءُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ)، لَمْ يُمِثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ،

به قتل رساند، دستور رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصَرَّةٌ

(درود خدا بر او و خاندانش) در باره هدايت کنندگان، از پس هدايت کنندگان، امامان بعد از پيامبر

عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ،

اطاعت نشد، و امت بر دشمنی نسبت به آن حضرت پافشاری کردند، و برای قطع رحم او، و تبعيد فرزندان او گرد آمدند،

إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ

مگر اندکی از کسانی که برای رعایت حق درباره ایشان به پيمان وفا کردند پس کشته شد آنکه کشته شد، و اسير

مَنْ سُبِيَ، وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ، بِمَا يُرْجَى لَهُ

گشت آنکه اسير گشت، و تبعيد شد آنکه تبعيد شد، و قضا بر آنان جاری شد به آنچه که بر آن اميد

حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ، يورثها مَنْ يَشَاءُ مِنْ

پاداش نيك می رود، زیرا زمین از خداست، آن را به هر که از بندگان او خواهد به

عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. ﴿وَسُبْحَانَ رَبَّنَا، إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا

ارث می دهد، و سرانجام از آن بهره یزگاران است و منزه است پروردگار ما که به يقين وعده پروردگارمان

لَمَفْعُولًا ﴿١٠﴾، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ؛ فَعَلَى

انجام شدنی است، و خدا هرگز از وعده خویش تخلف نمی کند و او نیرومند حکیم است، پس

الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا

بر پاکیزگان از اهل بیت محمد و علی (درود خدا بر ایشان

وَاهُمَا، فَلْيَبِكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ

و خاندانشان)، باید گریه کنندگان بگریند، و زاری کنندگان بر ایشان زاری کنند، و برای مانند

فَلْتَذَرْفِ الدُّمُوعُ، وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَ يَضِجَّ

آنان باید اشکها روان شود، و فریاد کنندگان فریاد زنند، و شیون کنندگان

الضَّاجُّونَ، وَيَعِجَّ الْعَاجُّونَ. أَيْنَ الْحَسَبِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ؟

شیون کنند، و خروشدگان بخروشدند، حسن کجاست؟ حسین کجاست؟

أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ؛ أَيْنَ

فرزندان حسین کجایند؟ شایسته ای پس از شایسته دیگر راستگویی پس از راستگویی دیگر،

السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ

راه از پس راه کجاست؟ کجاست بهترین برگزیده بعد از بهترین برگزیده؟ کجایند خورشیدهای

الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُثِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ

تابان، کجایند ماههای نورافشان، کجایند ستارگان فروزان، کجایند پرچمهای

الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ

دین، و پایه های دانش، کجاست آن باقیمانده خدا که از عترت

الْهَادِيَةِ؟ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ؟ أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ

هدایتگر خالی نشود، کجاست آن مهیا گشته برای ریشه کن کردن ستمکاران، کجاست آن که برای راست نمودن

الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ؟ أَيْنَ الْمُتَرَجِّحِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ؟ أَيْنَ

اتحراف و کجی به انتظار اویند، کجاست آن امید شده برای از بین بردن ستم و دشمنی، کجاست

الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَ السَّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ

آن ذخیره برای تجدید فریضه ها و سنتها، کجاست آن برگزیده

لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ

برای بازگرداندن دین و شریعت، کجاست آن آرزو شده برای زنده کردن قرآن

وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ

و حدود آن، کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهل دین، کجاست درهم شکننده شوکت

الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمُ أَبْنِيَةِ الشَّرِّكَ وَالنِّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ

معتادین، کجاست ویران کننده بناهای شرک و دورویی، کجاست نابود کننده اهل

الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ

فسق و عصیان و طغیان، کجاست درو کننده شاخه‌های گمراهی

وَالشَّقَاقِ (النِّفَاقِ)؟ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعُ

و شکاف اندازی، کجاست محو کننده آثار انحراف و هواهای نفسانی، کجاست قطع کننده

حَبَائِلِ الْكَذِبِ (الْكُذْبِ) وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ

دامهای دروغ و بهتان، کجاست نابود کننده سرکشان

وَالْمُرَدَّةِ؟ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟ أَيْنَ

و سرپیچی کنندگان، کجاست ریشه کن کننده اهل لجاجت و گمراهی و بی دینی کجاست

مُعْزُ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ (الْكَلِمِ) عَلَى

عزت بخش دوستان، و خوار کننده دشمنان، کجاست گردآورنده سخن بر

التَّقْوَى؟ أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟ أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ

پایه تقوا، کجاست در راه خدا که از آن آمده شود، کجاست جلوه خدا، که دوستان

يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ

به سویش روی آورند، کجاست آن وسیله پیوند بین زمین

وَالسَّمَاءِ؟ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى؟ أَيْنَ

و آسمان، کجاست صاحب روز پیروزی، و گسترنده پرچم هدایت، کجاست

مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؟ أَيْنَ الطَّالِبُ (الْمُطَالِبُ) بِذُحُولِ

گردآورنده پراکندگی صلاح و رضا، کجاست خواهنده خون

الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ

پیامبران و فرزندان پیامبران، کجاست خواهنده خون کشته

بِكَرْبَلَاءِ؟ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى؟ أَيْنَ

در کربلا، کجاست آن پیروز شده بر هر که به او ستم کرد و بهتان زد، کجاست

المُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟ أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ (الْخَلَائِفِ)

آن مضطری که اجابت شود هنگامی که دعا کند، کجاست سرسلسله مخلوقات،

ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؟ أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،

دارای نیکی و تقوا، کجاست فرزند پیامبر برگزیده، و فرزند علی مرتضی،

وَابْنُ خَدِجَةَ الْغَرَاءِ، وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟ يَا بِي أَنْتَ

و فرزند خدیجه روشن جبین، و فرزند فاطمه کبری؟، پدر

وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى؛ يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ

و مادر و جانم فردایت شود، برایت سپر و حصار باشم، ای فرزند سروران مقرب، ای فرزند

النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ (الْمُهْتَدِينَ)، يَا بَنَ

نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند

الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ

برگزیدگان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران نجیب، ای فرزند

الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ (الْمُسْتَظْهِرِينَ)، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ

پاکان پاکیزه، ای فرزند بزرگواران

الْمُنْتَجَبِينَ، يَا بَنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ (الْأَكْبَرِينَ)، يَا بَنَ الْبُدُورِ

برگزیده، ای فرزند دریاها، بی کران بخشش گرامی تر، ای فرزند ماههای

الْمُنِيرَةِ، يَا بَنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بَنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ، يَا بَنَ

نورافشان، ای فرزند چراغهای تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند

الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بَنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بَنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ،

اختران درخشان، ای فرزند راههای روشن، ای فرزند نشانههای آشکار،

يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بَنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ (الْمَشْهُودَةِ)، يَا بَنَ

ای فرزند دانشهای کامل، ای فرزند آیینهای مشهور، ای فرزند

الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بَنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ

نشانههای حفظ شده، ای معجزات موجود، ای فرزند دلیلهای

الْمَشْهُودَةِ، يَا بَنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بَنَ النَّبَا الْعَظِيمِ، يَا بَنَ

محسوس، ای فرزند راه مستقیم، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند

مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَيَّ حَكِيمٌ، يَابْنَ الْآيَاتِ

کسی که در امّ الکتاب، نزد خدا، والا و حکیم است، ای فرزند آیات

وَالْبَيِّنَاتِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ

و نشانها، ای فرزند دلیلهای آشکار، ای فرزند برهانهای

الْبَاهِرَاتِ، يَابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ، يَابْنَ

نمایان، ای فرزند حجت‌های رسا، ای فرزند نعمتهای کامل،

طَه (طاه) وَالْمُحْكَمَاتِ، يَابْنَ يَس (یا، سین) وَالذَّارِيَاتِ، يَابْنَ الطُّورِ

ای فرزند طه و آیات محکم، ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور

وَالْعَادِيَاتِ، يَابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى،

و عادیات، ای فرزند کسی که نزدیک شد، آنگاه در آویخت، تا آنکه در دسترسی

دُنُوءًا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى؛ لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ

و نزدیکی به خدای علیّ اعلی، به فاصله دو کمان یا کمتر بود، ای کاش می دانستم خانهات در کجا

النَّوَى؟ بَلْ أَيْ أَرْضِ ثِقْلُكَ أَوْ ثَرَى؟ اِبْرَضُوْیْ أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذی

قرار گرفته، بلکه می دانستم کدام زمین تو را برداشته، یا چه خاکی؟ آیا در کوه رضوایی یا در غیر آن، یا در زمین ذی

طُوى؟ غَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا

طوایی؟ بر من سخت است که مردم را می بینم، ولی تو دیده نمی شوی، و از تو نمی شنوم صدای محسوسی

وَلَا نَجْوَى؛ غَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى، وَلَا يَنَالُكَ

و نه راز و نیاز، بر من سخت است که تو را بدون من گرفتاری فرا گیرد، و از من به

مَنْى ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى. بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ

تو فریاد و شکایتی نرسد، جانم فدایت، تو پنهان شده‌ای هستی که از میان ما بیرون نیستی،

مِنْأ؛ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا؛ بِنَفْسِي أَنْتَ أَمْنِيَّةٌ

جانم فدایت، تو دوری هستی که از ما دور نیست، جانم فدایت، تو آرزوی

شَائِقٍ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا؛ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ

هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، از فراق تاله کنند، جانم فدایت، تو

عَقِيدٍ عَزٍّ لَا يُسَامَى؛ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى

قرین عزّتی، که کسی بر او برتری نگیرد، جانم فدایت، تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد،

(لَا يُحَازِي)؛ بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادِ نِعَمٍ لَا تُضَاهِي؛ بِنَفْسِي أَنْتَ

جانم فدایت، تو نعمت دیرینه ای، که او را ماندی نیست، جانم فدایت،

مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي. إِلَى مَتَى أَحَارُ (أَجَارُ) فَيْكَ يَا

تو قرین شرفی، که وی را برابری نیست، تا چه زمانی نسبت به تو سرگردان باشم،

مَوْلَايَ؟ وَإِلَى مَتَى وَآئِي خِطَابُ أَصِفُ فَيْكَ وَآئِي نَجْوَى؟ غَزِيرُ

ای مولایم، و تا چه زمان، و با کدام بیان، تو را وصف کنم، و با چه راز و نیازی؟، بر من سخت است

عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَ (أَوْ) أَنَاغِي؛ غَزِيرُ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ

که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم، و سخن مسرت بخش بشنوم، بر من سخت است که برای تو گریه کنم،

وَيَخْذُكَ الْوَرَى؛ غَزِيرُ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ

ولی مردم تو را وا گذارند، بر من سخت است، که بر تو بگذرد و نه بر دیگران

مَا جَرَى؛ هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ؟ هَلْ

آنچه گذشت، آیا کمک کننده ای هست، که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟، آیا بی تابی

مِنْ جَزْوَعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا؟ هَلْ قَذَيْتَ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا

هست؟ که او را در بی تابی اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم، آیا چشمی هست که خار فراق در آن جا گرفته،

عَيْنِي عَلَى الْقَذَى؟ هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقِي؟ هَلْ

پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند، آیا به جانب تو ای پسر احمد راهی هست، تا ملاقات شوی، آیا

يَتَّصِلُ يَوْمُنَا مِنْكَ بِغَدِهِ (بِعِدَّةٍ) فَنَحْظِي؟ مَتَى نَرُدُّ مَنَاهِلَكَ

روز ما به تو با وعده ای در می پیوندد تا بهره مند گردیم، چه زمان به چشمه های

الرَّوِيَّةَ فَزُرُو؟ مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذَبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ

بر آبت وارد می شویم، تا سیراب گردیم، چه زمان از آب وصل خشکوارت بهره مند می شویم؟، که تشنگی ما

الصَّدَى؟ مَتَى نُغَادِيكَ وَنُزَاوِحُكَ فَنُقِرُّ عَيْنًا؟ مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ،

طولانی شد، چه زمان با تو صبح و شام می کنیم، تا دیده از این کار روشن کنیم، چه زمان ما را می بینی، و ما

وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَوَاءِ النَّصْرِ تُرَى؟ أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُمُ

تو را می بینیم، در حالی که پرچم پیروزی را گسترده ای، آیا آن روز در می رسد که ما را ببینی، که تو را احاطه کنیم،

الْمَلَا؟ وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَ أَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا

و تو جامعه جهانی را پیشوا می شوی در حالی که زمین را از عدالت انباشتی، و دشمنان را خواری

وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ،

و کیفر چشاندہ ای، و متکبران و منکران حق را نابود کردہ ای و ریشہ سرکشان را قطع نمودہ ای،

وَاجْتَنَشْتَ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و بیخ و بن و ستمکاران را برکنده ای، تا ما بگوییم: ستایش خاص خدا، پروردگار

الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلَوِ، وَ اِلَيْكَ

جهانیان است. خدایا تو برطرف کننده سختیها و حوادث ناگواری، از تو

اَسْتَعْدِي، فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَ اَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا،

باری می طلبیم، که باری و کمک تنها نزد توست، و تو پروردگار آخرت و دنیایی،

فَاَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَ اَرِهِ سَيِّدَهُ

پس ای فریادرس درماندگان، به فریاد بنده کوچک گرفتارت برس، و سرورش را به او نشان بده ای صاحب

يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ اَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْاَسَى وَ الْجَوَى، وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ

نیروهای شگرف، و به دیدار سرورش، اندوه و سوز دل را از او بزدای، و آتش تشنگی اش را خاموش کن،

يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَ مَنْ اِلَيْهِ الرَّجْعَى وَ الْمُنْتَهَى. اَللّٰهُمَّ

ای که بر عرش چیره ای، و بازگشت و سرانجام به سوی اوست، خدایا،

وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ (الشَّائِقُونَ)، اِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ

ما بندگان به شدت مشتاق به سوی ولی تو هستیم، آنکه مردم را به یاد تو

وَ بِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ اَقْتَرَهُ لَنَا قِوَامًا

و پیامبرت اندازد، و تو او را برای مانگهبان و پناهگاه آفریدی، و او را قوام و امان ما

وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِمُؤْمِنِينَ مِّنَّا اِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا،

قرار دادی، و او را پیشوای اهل ایمان از ما گرداندی، از جانب ما به او تحیت و سلام برسان،

وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَارَبِّ اِكْرَامًا، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا

و به این وسیله اکرام بر ما را ای پروردگار بیفز، و جایگاه او را، جایگاه

وَ مُقَامًا، وَ اَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ اِيَّاهُ اَمَامَنَا، حَتَّى تُوْرِدَنَا

و اقامتگاه ما قرار ده، و نعمتت را با پیش انداختن او در پیش روی ما کامل گردان، تا ما را وارد

جَنَانِكَ (جَنَاتِكَ)، وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ. اَللّٰهُمَّ

بهشتهایت نماید، و به همنشینی شهیدان از بندگان خالصت نایل نماید. خدایا

صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درود فرست بر محمد جد او

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلَى [عَلِيٍّ] أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ،

و رسالت، آن سرور بزرگتر، و بر پدرش آن سرور پس از پیامبر

وَجَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْ

و بر جدّه اش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمد، و بر کسانی که برگزیدی،

اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ وَ أَكْمَلُ، وَ أَتَمُّ،

از پدران نیکوکارش و بر خودش، برترین و کامل ترین و تمام ترین

وَادُومَ، وَ أَكْثَرَ وَ أَوْفَرَ، مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ،

و بادوام ترین و بیشترین و فراوان ترین درودی که بر یکی از برگزیدگانت

وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدِّهَا،

و انتخاب شدگانت از میان آفریدگانت فرستادی، و بر او درود فرست، درودی که پایانی برای عددش،

وَلَا نِهَايَةَ لِمَدِّهَا، وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا. اَللّٰهُمَّ وَاقِمِ بِهِ الْحَقَّ،

و نهایتی برای مدتش، و به آخر رسیدنی برای زمانش نباشد، خدایا حق را به وسیله او برپا دار،

وَ ادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَ ادِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَ اذْلِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ،

و باطل را به او نابود کن، و دوستانت را به سبب آن جناب به دولت برسان، و دشمنانت را به دست او خوار گردان،

وَ صَلِّ اَللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، وَ صِلَةً تُؤَدِّيْ اِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ،

و پیوندد خدایا بین ما و او، پیوندی که ما را به رفاقت گذشتگان او برساند،

وَ اجْعَلْنَا مِّنْ يَّاخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ اعِنَّا عَلَى

و ما را از آنانی قرار ده که به دامن عنایتشان چنگ زند و در سایه لطفشان اقامت کنند، و ما را بر

تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ اِلَيْهِ، وَ الْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ،

پرداخت حقوقش، و کوشش در فرمانبرداری اش، و دوری از نافرمانی اش کمک کن،

وَ اٰمِنُ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَافَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ

و بر ما به خشودی اش منت نه، و رافت و رحمت و دعای

وَ خَيْرِهِ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ فَوْزًا عِنْدَكَ،

خیر آن حضرت را به ما ببخش، تا حدی که به سبب آن به رحمت گستردهات، و رستگاری در پیشگاهت برسیم،

زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه

وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ، وَدُعَاءَنَا بِهِ

خدایا به وسیله او نمازمان را پذیرفته، و گناهانمان را آمرزیده و دعاهايمان را

مُسْتَجَابًا ، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ، وَهُومَنَا بِهِ مُكْفِيَةً ،

مستجاب گردان، خدایا روز بهایمان را به سبب او گسترده، و اندوهمان را برطرف شده،

وَخَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ،

و حاجتهايمان را برآورده فرما، و به جانب ما به جلوه کریمت روی آور،

وَأَقْبِلْ تَقَرُّبُنَا إِلَيْكَ ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً ، نَسْتَكْمِلُ

و تقریبمان را به سویت بپذیر، و به ما نظر کن نظری مهربانانه که کرامت را نزد تو، به وسیله آن

بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ ، وَاسْقِنَا

نظر به کمال برسانیم، و آن نظر مهربانانه را به حق جودت از ما مگردان،

مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِكَأْسِهِ وَيَدِهِ ، رِيًّا

و از حوض جدش (درود خدا بر او و خاندانش) با جام او و به دست او، سیرایمان کن،

رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا ، لَا ظَمًا بَعْدَهُ ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

سیراب شدنی کامل، و گوارا و خوش، که پس از آن تشنگی نباشد، ای مهربان ترین مهربانان.

آنگاه به صورتی که گذشت نماز زیارت بجا می آوری و به

آن چه خواهی، دعا می کنی، که ان شاء الله به اجابت خواهد

رسید. عمل دوم: زیارتی است، که هر روز پس از نماز صبح

مولای ما صاحب الزمان عليه السلام به آن زیارت می شود، و آن

زیارت چنین است:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، عَنْ

خدایا برسان به مولایم صاحب الزمان، (درود خدا بر او) از جانب

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ،

همه مردان و زنان مؤمن در مشرقها و مغربهای زمین،

زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيَّ

و خشکیها و دریاهایش، و همواریه‌ها و کوههایش، زنده و مرده آنان، و همچنین از طرف پدر و مادرم

وَوُلْدِي وَعَنِّي، مِنْ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ،

و فرزندانم و خودم، درودها و تحیت‌هایی به گرانی عرش خدا

وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ،

و کشیدگی کلماتش، و نهایت خشنودی‌اش، و شمار آنچه کتابش برشمرده،

وَاحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُجَدِّدُ لَهٗ فِیْ هٰذَا الْیَوْمِ، وَفِیْ كُلِّ

و دانشش به آن احاطه یافته است. خدایا در این روز و در هر روز برای

یَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبِیْعَةً فِی رَقَبَتِی. اَللّٰهُمَّ کَمَا شَرَفْتَنیْ

آن حضرت، عهد و پیمان و بیعت، بر عهده‌ام تجدید می‌کنم. خدایا همچنان که مرا به این شرافت

بِهٰذَا التَّشْرِیْفِ، وَفَضَّلْتَنیْ بِهٰذِهِ الْفَضِیْلَةِ، وَخَصَّصْتَنیْ

مفتخر نمودی، و به این فضیلت و مرا به این نعمت

بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَّلَ عَلَیْ مَوْلَایْ وَسَیِّدِی صَاحِبِ الزَّمَانِ،

خاصم فرمودی، پس درود فرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان،

وَاجْعَلْنیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَشِیَاعِهِ، وَالذَّابِّیْنَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنیْ

و مرا قرار ده از یاران و پیروان و دفاع‌کنندگان از آن حضرت،

مِنَ الْمُسْتَشْهِدِیْنَ بَیْنَ یَدَیْهِ، طَائِعًا غَیْرَ مُکْرَهٍ، فِی الصَّفِّ

و از کشته‌شدگان پیش رویش، از روی میل و رغبت، نه ناراحتی و اکراه، در صفی

الَّذِی نَعَتْ اَهْلَهُ فِی کِتَابِكَ، فَقُلْتَ: ﴿صَفًّا کَانَهُمْ

که اهل آن را در قرآنت وصف نموده، فرموده‌ای: گویی آنان بنایی محکم و استوارند.

بُنِیَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾، عَلَی طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِكَ وَآلِهِ

این عمل را از من بر پایه اطاعتت، و اطاعت رسالت و خاندانش

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَیْعَةٌ لَّهٗ فِی عُنُقِیْ اِلَیْ یَوْمِ

(درود بر ایشان) قرار ده. خدایا این بیعتی است بر او، بر عهده من تا روز

الْقِیَامَةِ.

قیامت.

مؤلف گوید: علامه مجلسی رحمۃ اللہ علیہ در کتاب «بحار الانوار» فرموده: من در بعضی از کتابهای قدیمی دیده‌ام، که پس از این زیارت، دست راست را به دست چپ بگذارند، مانند قراردادادن در بیعت. و نیز بدان که ما در اعمال سرداب مقدس چهار زیارت نقل کردیم، و این زیارت، پنجمین زیارت کتاب ما محسوب می‌گردد، و در باب اول، در ذکر زیارات حجج طاهره، در ایام هفته، زیارتی برای آن حضرت نقل کردیم، که در روزهای جمعه به آن زیارت می‌شود. عمل سوم: دعای عهد است: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هر که چهل صبحگاه این عهد را بخواند، از یاوران قائم ما باشد، و اگر پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود، خدا او را از قبر بیرون آورد، که در خدمت آن حضرت باشد، و حق تعالی بر هر کلمه هزار حسنه به او کرامت فرماید، و هزار گناه از او محو سازد، و آن عهد این است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ
 خدايا ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان،

الْمَسْجُوْر، وَ مُنْزَلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيْلِ وَالزَّبُوْر، وَرَبَّ الظِّلِّ
 و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه

دُعای عَمَد

وَالْحَرُورِ ، وَمُنْزَلَ الْقُرْآنِ (الْفُرْقَانِ) الْعَظِيمِ ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ

و حرارت آفتاب، و نازل کننده قرآن و پروردگار بزرگ، و پروردگار فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ ، وَالْأَنْبِيَاءِ [و] الْمُرْسَلِينَ . اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ

مقرب، و پیامبران و رسولان. خدایا از تو می خواهم

بِوَجْهِكَ (بِسْمِكَ) الْكَرِيمِ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُتَنِيرِ ، وَمُلْكِكَ

به روی کریمت، و به نور وجه نوربخش، و فرمانروایی

الْقَدِيمِ ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، اَسْأَلُكَ بِسْمِكَ الَّذِیْ اَشْرَقَتْ بِهِ

دیرینهات، ای زنده و پا برجای دائم، از تو می خواهم به حق نامت، که به آن

السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ ، وَبِسْمِكَ الَّذِیْ یَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

آسمانها و زمینها روشن شد، و به حق نامت که پیشینیان

وَالْآخِرُونَ ؛ يَا حَیًّا قَبْلَ كُلِّ حَیٍّ ، وَیَا حَیًّا بَعْدَ كُلِّ حَیٍّ ، وَیَا حَیًّا

و پسینیان به آن شایسته می شوند، ای زنده پیش از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده

حِیْنَ لَا حَیٍّ ، یَا مُحِیِّ الْمَوْتِ ، وَمُیِّتَ الْأَحْیَاءِ ، یَا حَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا

در آن وقتی که زنده ای نبود، ای زنده کننده مردگان، و میراننده زندگان، ای زنده، معبودی جز

أَنْتَ . اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِیَّ الْمُهْدِیَّ ، الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ ،

تو نیست خدایا برسان به مولای ما امام راهنمای راه یافته، قیام کننده به فرمانت که

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ ، عَنْ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِیْنَ

درودهای خدا بر او و پدران پاکش، از جانب همه مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ،

و زنان مؤمن، در مشرقهای زمین و مغربهایش، همواریها و کوههایش،

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَعَنْیَ وَعَنْ وَالِدَیَّ ، مِنْ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ

خشکیها و دریاهایش، و از طرف من و پدر و مادرم، از درودها به گرانی عرش

اللَّهِ ، وَمِدَادَ کَلِمَاتِهِ ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ (کِتَابُهُ) ، وَأَحَاطَ بِهِ

خدا، و کشش کلماتش، و آنچه دانشش برشمرده، و کتابش به آن

کِتَابُهُ (عِلْمُهُ) . اَللّهُمَّ اِنِّیْ أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِيحَةِ یَوْمِ هَذَا ،

احاطه یافته. خدایا در صبح این روز

دُعای عهده

وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي،

و تا زندگی کنم از روزهایم، برای آن حضرت بر عهده‌ام، عهد و پیمان و بیعت تجدید می‌کنم،

لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ اَنْصَارِهِ

که از آن رو نگردانم، و هیچ‌گاه دست برندارم. خدایا مرا، از یاران و مددکاران

وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ،

و دفاع‌کنندگان از او قرار ده، و از شتابندگان به سویی، و از شتابانان به سوی او در برآوردن خواسته‌هایش،

وَالْمُتَثَلِّينَ لِأَوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ،

و اطاعت‌کنندگان او امرش، و مدافعان حضرتش، و پیشی‌گیرندگان و به جانب خواسته‌اش،

وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ

و کشته‌شدگان در پیشگاهش. خدایا اگر بین من و او

الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي

مرگی که بر بندگان حتم و قطعی ساختی حائل شد، کفن پوشیده

مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرِّرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا

از قبر مرا بیرون آور، با شمشیر از نیام برکشیده، و نیزه برهنه، پاسخگو

دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اَللّٰهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ،

به دعوت آن دعوت‌کننده، در میان شهرنشین و بادیه‌نشین. خدایا آن جمال با رشادت،

وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاکْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِّنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ

و پیشانی ستوده را به من بنمایان، و با نگاهی از من به او دیده‌ام را سرمه بده، و در گشایش امرش شتاب کن،

فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَاجِعَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ،

و درآمدنش را آسان گردان، و راهش را وسعت بخش، و مرا به راهش درآور،

وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَزْرَهُ، وَاعْمُرِ اَللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَآحِي بِهِ

و فرمانش را نافذ کن و پشتش را محکم گردان، خدایا به دست او کشورهایت را آباد کن، و بندگان

عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ

را به وسیله او زنده فرما، به درستی که تو فرمودی، و گفته‌ات حق است که: فساد در خشکی

وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾؛ فَاطْهَرِ اَللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ،

و دریا، در اثر اعمال مردم نمایان شد، خدایا ولی‌ات،

دُعای عهد

وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ

و فرزند دختر پیامبرت که به نام رسالت نامیده شده، برای ما آشکار کن،

بَشَىءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ ، وَيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ ، وَاجْعَلْهُ

تا به چیزی از باطل دست نیابد، مگر آن را از هم بپاشد، و حق را پایرجا و ثابت نماید،

اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا

خدایا او را قرار ده پناهگاهی برای ستمدیدگان از بندگانت، و یاور برای کسی که یاری برای خود

غَيْرِكَ ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ ، وَمُشِيدًا لِمَا

جز تو نمی یابد، و تجدید کننده آنچه از احکام کتابت تعطیل شده، و محکم کننده آنچه

وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

از نشانه های دینت و روشهای پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) رسیده است،

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِّنْ حَصْنَتِهِ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ . اللَّهُمَّ

و او را قرار ده خدایا، از آنان که از حمله متجاوزان، نگاهش داری، خدایا

وَسِرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِرُؤْيَتِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ

پیامبرت محمد (درود خدا بر او و خاندانش) را به دیدار او، و کسانی که بر پایه

عَلَى دَعْوَتِهِ ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ . اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ

دعوتش از او پیروی کردند شاد کن، و پس از او به درماندگی ما رحم فرما، خدایا این اندوه را از این

الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ ، وَعَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُمْ ؛ إِنَّهُمْ

امت به حضور آن حضرت برطرف کن، و در ظهورش برای ما شتاب فرما، که دیگران ظهورش را

يَزُونَهُ وَبَعِيدًا ، وَزَاهٍ قَرِيبًا ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . آنگاه

دور می بینند، و ما نزدیک می بینیم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

سه بار بر ران خود دست می زنی، و در هر مرتبه می گویی:

الْعَجَلُ، الْعَجَلُ ؛ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ .

عمل چهارم: سید ابن طاووس فرموده: چون خواستی

دُعای برای امام عصر عجل الله فرجه

از حرم مطهر آن حضرت مرخص شوی، به سوی سرداب شریف برگرد، و در آنجا هرچه می خواهی نماز بخوان، آنگاه رو به قبله بایست و بگو: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيكَ...» و این دعا را تا پایان آن ذکر کرد و سپس فرمود: خدا را بسیار بخوان، و با خوشبختی بازگرد ان شاء الله تعالی.

مؤلف گوید: شیخ در کتاب «مصباح» این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده، و ما هم این دعا را به صورتی که شیخ از آن حضرت نقل نموده، در اینجا می آوریم، شیخ فرموده: یونس بن عبد الرحمن روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام امر می فرمودند به دعا نمودن، برای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به این دعا:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّيكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،

خدا یا دفع کن، از ولی ات، و خلیفه ات و حجت بر آفریدگانت،

وَلِسَانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ

و زبان سخنگوی از جانب، و گوئی به حکمت، و دیده نگرنده

بِإِذْنِكَ، وَشَهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، الْعَائِدِ بِكَ،

به اجازت، و گواه بر بندگانت، آن سرور بزرگوار مجاهد، پناهنده به تو،

الْعَابِدِ عِنْدَكَ، وَاعِذُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَبَرَأَتْ

عبادت کننده نزد تو، و پناهش ده از شر تمام آنچه آفریدی

دُعای امام عصر عجل الله فرجه

وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ،

و پدید کردی و پروردی، و صورت دادی، و او را نگهدار از پیش رویش، و پشت سرش،

وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ الَّذِي

و از جانب راست و چپش، و بالای سر، و زیر پایش، به نگهداری که

لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آبَاءَهُ

تباہ نشود هر که را به آن نگهداری، و حفظ کن در وجود او پیامبرت، و پدرانش،

أَمَّتَكَ ، وَدَعَائِمَ دِينِكَ ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ ،

آن امامان از جانب تو، و پایه های دینت و او را قرار ده در سپرده خود که تباہ نمی شود،

وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ ،

و در جوارت که امنیتی از بین نمی رود، و در بازدارندگی و نیرومندی که مقهور نگردد،

وَأَمْنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ ، الَّذِي لَا يُخْذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ ، وَاجْعَلْهُ

و او را ایمن دار، به امان محکم، که هر که را به آن ایمن نمودی، هرگز خوار نمی شود، و قرارش ده

فِي كَنْفِكَ ، الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْغَزِيرِ ،

در حمایت، که هر که در آن باشد، مورد دستبرد واقع نگردد، و یاری اش ده به یاری نیرومندت،

وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ ، وَارْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ ،

و کمکش کن، با لشکر چیرهات و نیرومندش ساز به نیرویت، و پشت سر او قرار بده فرشتگانت را،

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ ،

و دوست بدار کسی را که دوستش دارد، و دشمن بدار کسی را که دشمنش دارد، و زره محکم را به او بپوشان،

وَحُفِّهِ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا . اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ ، وَارْتُقْ بِهِ

و او را به احاطه فرشتگان در آور، احاطه ای سامان یافته، خدایا شکاف در هر امور را به او اصلاح کن، و گسیختگی

الْفَتْقَ ، وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَزَيِّنْ بِطُولِ

را به او پیوند ده، و ستم را به دستش نابود گردان، و عدالت را به او بنمایان، و زمین را با طول ماندنش بیارای،

بَقَائِهِ الْأَرْضَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ ، وَقَوِّ نَاصِرِيهِ ،

و او را به پیروزی کمک کن، و به وسیله در انداختن ترس در دل دشمنان یاری اش ده، و یاورانش را نیرومند ساز،

وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ ، وَدَمِّمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمِّرْ مَنْ غَشَّاهُ ،

و واگذارنده اش را خوار کن، و کسی را که نسبت به او دشمنی ورزد هلاک ساز، و هر که به او خیانت کند نابود گردان،

دُعَا برای مام عَصْرُ حَبْلِ اللَّهِ فَرَجَ

وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابَةَ الْكُفْرِ، وَعَمَدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَاقْصِمْ بِهِ

و به دست او گردنکشان کفر، و تکیه گاهها و ستونهای آن را به قتل برسان، و به وسیله او

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَثُمَيْتَةَ السُّنَّةِ، وَمُقَوِّیَةَ

سران گمراهی، و پدیدآورندگان بدعت، و میراندگان سنت، و تقویت کنندگان

الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْحَبَّارِينَ، وَابْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ، وَجَمِيعَ

باطل را درهم شکن، و به دست او گردنکشان را خوار کن، و کافران و تمام بی دینان

الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

را نابود ساز، در مشرقهای زمین و مغربهایش، و خشکیها و دریاهایش،

وَسَهْلَهَا وَجَبَلَهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ

و هموارها و کوههایش، تا دیتاری از آنان، و آثاری از ایشان را

آثَارًا. اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَاعِزَّ

باقی نگذاری. خدایا کشورهايت را از وجود الوده آنان پاک کن، و با محو ایشان شفا ده بندگان را، و مؤمنان را

بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَآحِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ،

به وجود آن حضرت عزیز گردان، و روشهای رسولان و احکام کهنه پیامبران را به او زنده کن،

وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَنَ مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى

و به وسیله او آنچه را از دینت محو شده و از قانونت تغییر یافته، تجدید فرما،

تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ، جَدِيدًا غَضًّا مُحَضًّا صَحِيحًا،

تا دینت را به وجود او باز گردانی، و بر دو دست او جدید و تازه و خالص و صحیح نمایی

لَا عَوَجَ فِيهِ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بَعْدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ،

که کجی در آن دیده نشود و بدعت و پیرایه ای همراهش نباشد، تا اینکه با عدالتش تاریکیهای نابرابری را روشن کنی،

و تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ،

و به وسیله او آتشیهای کفر را خاموش نمایی، و گره بندهای حق،

و مَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

و ناشناخته عدالت را به او روشن سازی، زیرا او بنده توست، بنده ای که او را برای خود برگزیدی،

وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَتْهُ

و او را برای غیب خود انتخاب نمودی، و از گناهان باز داشتی، و از عیبها

دُعای برای مامعصر مجل الله فرجه

مِنَ الْعُيُوبِ ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ .

پاکیزه اش کردی، و از آلودگی پاکش فرمودی، و از چرکینی سالمش نمودی.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ ، أَنَّهُ

خدایا ما در روز قیامت، و روز فرارسیدن حادثه بزرگ، برای او گواهی می دهیم،

لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا ، وَلَا أَتَى حَوْبًا ، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً ، وَلَمْ يُضَيِّعْ

که گناهی انجام نداد، و بزهی نیاورد، و مرتکب معصیتی نشد، و طاعتی را در پیشگاه

لَكَ طَاعَةً ، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً ، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً ،

تو تباه نکرد، و حرمتی را از تو هتک نکرد، و فریضه ای را دگرگون نساخت،

وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً ، وَأَنَّهُ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَ الطَّاهِرُ ، اتَّقَى

و آیینی را تغییر نداد، و به درستی که اوست راهنمای، راه یافته، پاک، پرهیزگار،

النَّقَى ، الرَّضَى الزَّكِيُّ . اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَآهْلِهِ ، وَوَلَدِهِ

بی عیب، دوستدار، پاکیزه، خدایا به او عطا کن، در وجودش و اهلیش، و فرزندان

و ذُرِّيَّتِهِ ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ ، مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ ، وَتَسْرِبُهُ

و نژادش و امت و همه رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی، و وجودش را به آن

نَفْسَهُ ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا ، قَرِيبًا وَبَعِيدًا ،

خوشحال نمایی، و برای او گردآوری همه مملکتها را نزدیک و دور را،

وَعَزِيزًا وَذَلِيلًا ، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ ،

و نیرومند و خوارش را، تا فرمانش را بر فراز هر فرمانی جاری سازی،

وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ [عَلَى] كُلِّ بَاطِلٍ . اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ

و حق او را بر هر باطلی چیره گردانی. خدایا ما را به دودست آن بزرگوار

مِنْهَا جِ الْهُدَى ، وَالْمَحْجَّةَ الْعُظْمَى ، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى ، الَّتِي

به راه هدایت، و جاده بزرگتر، و طریقه معتدل بدار، که گمراه

يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي ، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ ،

تندرو به آن بازگردد، و عقب مانده، خود را به آن ملحق نماید، و بر طاعتش نیرویمان بخش،

و ثَبَّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ ، وَآمَنُ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزَنِهِ ،

و بر پیروی اش پابرجایمان کن و به متابعتش بر ما منت بنه، و ما را در گروه او قرار بده،

دُعای امام عصر عجل الله فرجه

الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ،

آن گروهی که به شدت قیام کننده به دستورش هستند، و همراه او شکیبا می باشند، و با خیر خواهی اش جویندگان

حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ

خشنودی تواند، تا ما را در روز قیامت، در شمار یاران و مددکاران، و تقویت کنندگان

سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ،

حکومتش محصور نمایی و این واقعیت را برای ما، خالص از هر شک و شبهه و خودنمایی،

وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا

و شهرت طلبی قرار بده، تا در این کار به غیر تو اعتماد نکنیم، و به آن جز خشنودی

وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُجَلِّئَنَا مَحَلًّا، وَتَجْعَلَنَا فِي الْحَبَّةِ مَعَهُ، وَاعِدْنَا

تو را نخواهیم، و تا جایی که ما را به جایگاه او وارد کنی، و در بهشت با او قرار دهی، و از خستگی

مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ،

و کسالت و سستی پناهمان ده، و ما را از کسانی قرار ده که به دست آنها برای دینت پیروزی آوری،

وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ

و یاری ولیات را به آنها نیرومند سازی، و ما را در این زمینه با دیگران عوض مکن، زیرا عوض کردن

بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ

ما با دیگران بر تو آسان، ولی بر ما کار بسیار دشوار است. خدایا بر متولیان

عَهْدِهِ، وَالْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ،

عهدش، و پیشوایان پس از او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان، و در عمرشان، بيفزا،

وَاعِزَّنْ نَصْرَهُمْ، وَتِمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ

و پیروزیشان را نیرومند ساز، و برای آنان کامل کن، آنچه از دستورات به آنان مستند کردی، و پایه های

دَعَائِهِمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ

حکومتشان را ثابت بدار، و ما را از مددکاران آنان، و نسبت به دینت از یاوران قرار ده، به درستی که آنانند، معادن

كَلِمَاتِكَ، وَخُزَانُ عِلْمِكَ، وَارْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ،

کلمات، و خزانه داران دانش، و پایه های توحیدت، و استوانه های دینت،

وَوُلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفَوْتُكَ مِنْ

و زبده های از بندگان، و برگزیدگان از

دُعای برای امام عصر عجل الله فرجه

خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ،

آفریدگانت، و اولیایت و گزیده‌های دوستانت، و انتخاب شده فرزندان پیامبرت

وَالسَّلَامُ [عَلَيْهِ وَآلِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر آنان باد.

فضل زیارات جامع و عیالی که پس از آن زیارت خوانده می شود و صلوات بر حج طاهر علیهم السلام
و این فضل در بر دارنده چند مقام است:

مقام اول: در زیارات جامعه: که هر امامی را می توان به آن زیارت کرد و این زیارات بسیار است که ما به ذکر چند نمونه از میان آنها اکتفا می کنیم زیارت اول: شیخ صدوق در کتاب «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» روایت کرده: که از حضرت رضا علیه السلام در باب آمدن نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند، آن حضرت فرمود: در مساجدی که در اطراف قبر آن حضرت است نماز بگزارید. و در همه مواضع جایز است: یعنی در زیارت هر یک از امامان علیهم السلام یا مطلق مزارهای شریفه مقدسه، مانند مراقد [آرامگاههای] پیامبران و سایر اوصیا علیهم السلام کما هو الظاهر، و اینکه بگوئید:

السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ

بر امینان خدا

سلام

و برگزیدگان،

بر اولیای خدا

سلام

و أَحِبَّائِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحَالِّ

بر جایگاههای

سلام

و خلیفه هایش،

بر یاران خدا

سلام

و دوستانش،

زیارات جامع

مَعْرِفَةِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى

معرفت خدا، سلام بر خانه‌های ذکر خدا، سلام بر

مُظْهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ ؛ السَّلَامُ

آشکارکنندگان امر و نهی خدا، سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، سلام

عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ (وَالْمُسْتَوْفِرِينَ) فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى

بر استقرار یافتگان در عرصه رضایت خدا، سلام بر

الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الْأِدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ ؛ السَّلَامُ

مخلصان در طاعت خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام

عَلَى الَّذِينَ مَنِ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهِ ، وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى

بر آنان که هر که دوستشان داشته، خدا را دوست داشته، و هر که دشمنشان داشته، خدا را دشمن داشته،

اللَّهُ ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ

و هر که آنان را شناخت، خدا را شناخته، و هر که آنان را نشناخت، خدا را

اللَّهُ ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ

نشناخته و هر که به آنان چنگ زد، در حقیقت به خدا چنگ زده، و هر که آنان را ترک گفت،

فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ؛ وَأَشْهَدُ اللَّهَ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَلِمْتُ ،

همانا خدای عز و جل را ترک گفته است، و خدا را گواه می‌گیرم که من در صلحم با هر که شما با او در صلح هستید

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ ، مُفَوَّضٌ فِي

و در جنگم با هر که شما با او در جنگید، به پنهان و آشکار شما ایمان دارم، و اختیار همه

ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ ؛ لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ ، مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ،

این امور را واگذارنده به شمایم، خدا دشمن خاندان محمد را، از جن و انس لعنت کند،

وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. این زیارت

از ایشان به جانب خدا بیزاری می‌جویم، و درود خدا بر محمد و خاندانش.

در کتابهای «کافی» و «تهذیب» و «کامل الزیارة» نقل شده ،

و در همه کتابها پس از پایان زیارت، مذکور است ، که این

زیارات جامع

- یعنی این کلماتی که ذکر شد - در همه زیارتها مجزی است. و بر محمد و خاندان محمد علیهم السلام بسیار صلوات می فرستی، و یک یک را به نامهای خودشان نام می بری و از دشمنانشان بیزاری می جویی، و هر دعایی که می خواهی برای خود، و مردان و زنان با ایمان اختیار می کنی. مؤلف گوید: ظاهراً این باقیمانده «یعنی جمله: در همه زیارتها مجزی است» جزو روایت و از کلام معصوم علیه السلام است، ولی اگر فرض کنیم این باقیمانده خارج از روایت باشد و بگوییم عبارت و کلام بعضی از راویان است، باز هم مطمئن هستیم به اینکه زیارت، زیارت جامع است، چون بزرگان مشایخ حدیث، چنین فهمیده اند، که در همه زیارتها مجزی است چنان که ظاهر ابتدای حدیث بر آن دلالت دارد، پس آن را در باب زیارات جامع نقل کرده اند، و تعبیر وارده در زیارت، نیز تماماً از صفات جامع است، که اختصاص به بعضی غیر بعض دیگر ندارد، پس مناسب است در تمام مشاهد مشرفه، به آن زیارت، زیارت شود، حتی مشاهد انبیا و اوصیا چنان که جمعی از علما در مشهد جناب یونس علیه السلام نقل کرده اند. و چون در ذیل زیارت، امر به صلوات بر هر یک از امامان علیهم السلام شد، صلواتی مخصوص به خود آن امام وارد

زیارت جامعہ کبیره

شده است، اگر صلوات منسوب به ابوالحسن ضراب اصفهانی را، که در آخر اعمال روز جمعه نقل کردیم [صفحه ۱۳۸] بخوانی، بسیار مناسب است.

زیارت جامعہ کبیره

زیارت دوم: شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا از موسی بن عبد الله نخعی روایت کرده که گفت خدمت حضرت هادی علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، مرا زیارتی با بلاغت تعلیم فرما که کامل باشد، تا اینکه هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم، آن را بخوانم. فرمود: چون به درگاه حرم رسیدی، بایست و شهادتین را بگو یعنی:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و شریکی ندارد، و گواهی می‌دهم که

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . در این هنگام باید با حالت

محمد بنده و فرستاده اوست.

غسل باشی، چون داخل حرم شوی، و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو، سپس اندکی با آرامش و وقار راه برو، و در این راه رفتن، گامها را نزدیک

یک دیگر گذار، آنگاه بایست و سی مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو، پس نزدیک قبر مطهر برو و چهل مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو، تا صد تکبیر کامل شود. و شاید چنان که مجلسی اول فرموده: وجه این صد تکبیر این باشد، که اکثر طبایع مردم مایل به غلو در حق محبوبان خود هستند، مبدا از عبارات امثال این زیارت گرفتار غلو و افراط در اعتقاد و سخن شوند، یا از بزرگی حق تعالی غافل گردند یا غیر این امور. پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ ،

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه رسالت،

وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ ، وَخُزَّانِ

و عرصه رفت و آمد فرشتگان، و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت، و خزانداران

الْعِلْمِ ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ ، وَأُصُولِ الْكَرَمِ ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ ، وَأَوْلِيَاءِ

بهشت، و نهایت بردباری، و ریشه های کرم، و رهبران امتها، و سرپرستان

النِّعَمِ ، وَعُنَاصِرَ الْأَبْرَارِ ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ ،

نعمتها، و بنیادهای نیکان، و استوانه های خوبان، و رهبران سیاسی بندگان،

وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ ، وَسُلَالَةَ

و پایه های کشورها، و درهای ایمان، و امینان خدای رحمان، و چکیده

النَّبِيِّينَ ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ ، وَعِترَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،

پیامبران، و برگزیده رسولان، و عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى ، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى ،

و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغهای تاریکی،

وَأَعْلَامِ التَّقَى ، وَذَوَى النُّهَى ، وَأُولَى الْحِجَى ، وَكَهْفِ الْوَرَى ،

و پرچمهای پرهیزگاری، و صاحبان خرد، و دارندگان زیرکی، و پناهگاه مردمان،

وَوَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَّعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجَ اللَّهِ

و وارثان پیامبران، و نمونه برتر، و دعوت نیکوتر و حجت‌های خدا

عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ

بر اهل دنیا و آخرت و این جهان، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، سلام

عَلَى مُحَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ،

بر جایگاه‌های شناخت خدا، و مسکینهای برکت خدا، و معدنهای حکمت خدا،

وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ،

و نگهبانان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا،

و ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و فرزندان رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش)، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ،

سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، و راهنمایان بر خشنودی خدا،

وَالْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي

و استقرار یافتگان در امر خدا، و کاملان در محبت خدا، و مخلصان در

تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ،

توحید خدا، و آشکارکنندگان امر و نهی خدا، و بندگان گرامی خدا

الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ، وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

آنان که به گفتار بر خدا پیشی نمی‌گیرند، و به دستورش عمل می‌کنند، و رحمت

وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ

و برکات خدا بر آنان باد، سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده، و پیشروان هدایت‌کننده، و سروران

الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ

سرپرست، و مدافعان حمایت‌کننده، و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقیمانده خدا

وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ، وَغَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ، وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ

و برگزیدگان او، و گروه و صندوق دانش حق، و حجت و راه و نور

[وَبُرْهَانِهِ]، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ،

و برهان خدا، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است

لَا شَرِيكَ لَهُ ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ ،

و برای او شریکی نیست، چنان که خدا برای خویش گواهی داده، و فرشتگانش

وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، وَاشْهَدُ

و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی دادند، معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است، و گواهی می‌دهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَجَبُّ ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى ، أَرْسَلَهُ بِأَهْدَى

که محمد بنده برگزیده، و فرستاده پسندیده اوست، او را به هدایت

وَدِينِ الْحَقِّ ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ،

و دین حق فرستاد، تا بر همه آیینها پیروزش گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند،

وَاشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ ، الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصَمُونَ

و گواهی می‌دهم که شما یید پیشوایان راهنما، راه یافته، معصوم،

الْمُكْرَّمُونَ ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ ،

مکرم، مقرب، پرهیزگار، راستگو، برگزیده،

الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ ، الْفَائِزُونَ

فرمانبردار خدا، قیام کننده به فرمانش، عمل کننده به خواسته اش دست یافته

بِكِرَامَتِهِ ، إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ ، وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ ، وَاخْتَارَكُمْ

به کرامتش، شما را با دانشش برگزید، و برای غیبتش پسندید، و برای رازش

لِسِرِّهِ ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ ، وَاعَزَّكُمْ بِهَدَاهُ ، وَخَصَّكُمْ

انتخاب کرد، و به قدرتش اختیار کرد، و به هدایتش عزیز نمود، و به برهانش

بِبُرْهَانِهِ ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ) ، وَآيَدَكُمْ بِرُوحِهِ ،

اختصاص داد، و برای نورش برگزید، و به روحش تأیید فرمود و شما را

وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ ، وَأَنْصَارًا

پسندید برای جانشینی در زمینش، و دلائل محکمی بر مخلوقاتش، و یاورانی

لِدِينِهِ ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ ،

برای دینش، و نگهدارانی برای رازش، و خزانه دارانی برای دانشش، و محل نگهداری برای حکمتش،

وَتَرَاجِمَةً لِيُوحِيهِ ، وَآرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ ،

و مفسران و وحیش، و پایه های یگانه پرستی اش، و گواهانی بر خلقش

وَأَعْلَامًا لِّعِبَادِهِ ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ ، وَادِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ ،

و پرچمهایی برای بندگانش، و مراکز نوری در کشورهایش، و راهنمایانی بر راهش،

عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ ، وَأَمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ ، وَطَهَّرَكُمُ

خدا شما را از لغزشها حفظ کرد، و از فتنه‌ها ایمن داشت، و از آلودگی

مِنَ الدَّنَسِ ، وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ ، وَطَهَّرَكُم تَطْهِيرًا ؛

پاک کرد، و پلیدی را از شما برد، و پاکتان نمود، و پاک کردنی شایسته

فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ ، وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ ، وَ مَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ ،

پس شما هم عظیم شمردید، و شوکتش را، و بزرگ دانستید مقامش را، و ستودید کرمش را،

وَأَدَمْتُمْ (أَدَمْتُمْ) ذِكْرَهُ ، وَ وَكَّدْتُمْ (ذَكَّرْتُمْ) مِيثَاقَهُ ، وَ أَحْكَمْتُمْ

و ادامه دادید ذکرش را، و استوار نمودید پیمانش را، و محکم کردید

عَقْدَ طَاعَتِهِ ، وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ ، وَ دَعَوْتُمْ إِلَى

گره طاعتش را، و در نهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید، و مردم را

سَبِيلَهُ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ، وَ بَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي

با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید، و جان خود را در خشنودی

مَرْضَاتِهِ ، وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ (حَقِّهِ) ، وَ أَقَمْتُمْ

او نثار نمودید، و بر آنچه در کنار او به شما در رسید صبر کردید و نماز را

الصَّلَاةَ ، وَ أَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ ، وَ أَمَرْتُم بِالْمَعْرُوفِ ، وَ نَهَيْتُم عَنِ الْمُنْكَرِ ،

بپا داشتید، و زکات پرداختید، و به معروف امر نمودید، و از منکر نهی کردید،

وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ ، وَ بَيَّنَّتُمْ

و جهاد فی الله نمودید، آن گونه که شایسته بود، تا دعوتش را آشکار کردید، و واجباتش

فَرَائِضَهُ ، وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ ، وَ نَشَرْتُمْ (وَفَسَّرْتُمْ) شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ ،

را بیان فرمودید، و حدودش را بر پا داشتید، و قوانین احکامش را بخش نمودید،

وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ ، وَ صَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا ، وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ

و روش او را انجام دادید، و در این امور از جانب خدا به مقام رضا در رسیدید، و تسلیم

الْقَضَاءَ ، وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُّسُلِهِ مَنْ مَضَى ، فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ ،

قضای او گشتید، و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید، پس روگردان از شما خارج از دین،

زیارت جامعہ کبیرہ

وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ ، وَالمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ ، وَالْحَقُّ

و ملازمان ملحق شونده به شما، و کوتاهی کننده در حقان قرین نابودی است، و حق

مَعَكُمْ وَفِيكُمْ ، وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ ،

همراه شما و در شما و از شما و به سوی شماست، و شما اهل حق و سرچشمه آن هستید

و مِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ ، وَحِسَابُهُمْ

و میراث نبوت نزد شماست، و بازگشت خلق به سوی شما، و حسابشان

عَلَيْكُمْ ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ ،

با شماست، و سخن جدا کننده حق از باطل نزد شماست، آیات خدا پیش شما،

وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ ، مَنْ

و تصمیمات قطعی اش در شما، و نور و برهان نزد شماست، و امر او متوجه شماست، آن که

وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ ، وَمَنْ

شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را دشمن داشت خدا را دشمن داشته، و هر

أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ، [وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ] ، وَمَنْ

که به شما محبت ورزید به خدا محبت ورزیده و هر که با شما کینه توزی نمود، با خدا کینه ورزی نموده است، و هر که

اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ ؛ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ

به شما چنگ زد، به خدا چنگ زده است، شما پید راه راست تر

(السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ) ، وَشَهَادَةُ دَارِ الْفَنَاءِ ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ ،

و گواهان و شهادت خانه فنا، و شفیعان خانه بقا،

وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ ، وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ ،

و رحمت پیوسته، و نشانه انباشته و امانت نگاه داشته،

وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ . مَنْ آتَاكُمْ نَجَا ، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ ،

و درگاه حقی که مردم به آن آزموده می شوند، آنکه به سوی شما آمد نجات یافت، و هر که نیامد هلاک شد،

إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ ،

شما مردم را به سوی خدا می خوانید، و به وجود او راهنمایی می کنید، و همواره در حال ایمان به او هستید، و تسلیم

وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ .

او می باشید، و به فرمانش عمل می کنید، و به راهش ارشاد می نمایید، و به گفته اش حکم می کنید،

سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ ،

هر که شما را دوست داشت، خوشبخت شد، و هر که شما را دشمن داشت به هلاکت رسید، و هر که شما را

وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ

انکار کرد زیانکار شد و هر که از شما جدایی نمود گمراه گشت، هر که به شما متمسک جست به رستگاری رسید، و هر که

إِلَيْكُمْ ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ ؛ مَنْ

به شما پناه آورد ایمنی یافت، کسی که شما را تصدیق نمود سالم ماند، و هر که متمسک به شما شد هدایت یافت،

اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ ، وَمَنْ

کسی که از شما پیروی کرد، بهشت جای اوست و هر که با شما مخالفت ورزید، آتش جایگاه اوست، هر که

جَحَدَكُمْ كَافِرٌ ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي

منکر شما شد کافر است، و هر که با شما جنگید مشرک است، و هر که شما را رد کرد، در

أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ . أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى ،

پست ترین جایگاه از دوزخ است، گواهی می دهم که این شأن و مقام در گذشته برای شما پیشی داشت

وَجَارِ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ

و برایتان در آینده زمان جاری است، و همانا ارواح و نور و سرشت شما

وَاحِدَةٌ ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ، خَلَقَكُمْ

یکی است، پاکیزه و پاک شد، برخی از آن از برخی دیگر است، خدا شما

اللَّهُ أَنْوَارًا ، فَجَعَلَكُمْ بَعْرِشَهُ مُحَدِّقِينَ ، حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ ،

را نورهایی آفرید، و گرداگرد عرش خود قرار داد، تا با آوردشان به دنیا بر ما منت نهاد،

فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أِذْنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمُهُ ، وَجَعَلَ

و قرار تان داد در خانه هایی که اجازه داد رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود، و دروهای ما

صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ ، وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ ،

را بر شما قرار داد، و آنچه ما را از ولایت شما به آن مخصوص داشت،

طَيِّبًا لَخُلُقِنَا ، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا ، وَتَرْكِیَّةً (وَبَرَكَةً) لَنَا ، وَكَفَّارَةً

مایه پاکی برای خلقت ما، و طهارت برای جان ما، و تزکیه برای وجود ما، و کفاره

لِذُنُوبِنَا ، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ ، وَمَعْرُوفِينَ

گناهان ماست، پس ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به فضل شما، و شناخته شدگان

زیارت جامعہ کبیرہ

بِتَصْدِيقِنَا اِيَّاكُمْ ، فَبَلَغَ اللّٰهُ بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ ،

به تصدیق جایگاه شما بودیم، خدا شما را به شریفترین جایگاه گرامیان

وَاَعْلٰی مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ ، وَاَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ ، حَيْثُ

و برترین و منزلت مقربان، و رفیعترین درجات فرستادگان برساند، چنانکه

لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ ،

از پی رسندهای به آن نرسد، و بالا روندهای به آن راه نیابد، و سبقت گیرندهای از آن پیشی نجوید،

وَلَا يَطْمَعُ فِي اِدْرَاكِهِ طَامِعٌ ، حَتّٰى لَا يَبْقٰى مَلَكٌ مُّقْرَبٌ ،

و طمع کنندهای در یافتن آن طمع نورزد، از آنجا که باقی نمی ماند ملک مقرب،

وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ ، وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ ،

و نه پیامبر مرسل، و نه صدیقی و نه شهیدی و نه دانایی و نه نادانی

وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ ، وَلَا فَاجِرٌ طَاحِلٌ ،

و نه پستی و نه والایی، و نه مؤمن شایسته ای، و نه فاجر بدکاری،

وَلَا جَبَّارٌ غَنِيْدٌ ، وَلَا شَيْطَانٌ مُّرِيْدٌ ، وَلَا خَلْقٌ فِیْمَا بَیْنَ ذٰلِكَ

و نه گردنکش لجوجی، و نه شیطان نافرمانی، و نه خلق دیگری که در این میان

شَهِيدٌ ، اِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ اَمْرِكُمْ ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ ، وَكِبَرَ

گواه باشد مگر اینکه خدا بر آنان بشناساند، جلالت امر شما، و عظمت مقام، و بزرگی

شَانِكُمْ ، وَتَمَامَ نُوْرِكُمْ ، وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ ،

شان، و کامل بودن نور، و درستی مسندها و ثابت بودن مقام، مقام

وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ ، وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ ، وَكِرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ ،

و شرافت موقعیت، و منزلت شما را نزد خویش، و کرامتتان را بر او،

وَخَاصَّتَكُمْ لَدِيْهِ ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ ؛ بِاَبٰی اَنْتُمْ وَاُمِّی وَاَهْلٰی ،

و خصوصیتی که نزد او دارید و نزدیکی مقامی که نسبت به او برای شماست، پدر و مادرم و اهل

وَمَالِی وَاُسْرَتِی ، اُشْهَدُ اللّٰهَ وَاُشْهَدُكُمْ ، اَنِّیْ مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا اَمَنْتُمْ

و مال و طایفه ام فدای شما، خدا و شما را گواه می گیرم، که من به شما و به آنچه شما ایمان آوردید باور دارم،

بِهِ ، كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ ،

نسبت به دشمنان و آنچه را شما به آن کفر ورزیدید کافر، بینایم به مقام شما،

وَبِضْلَالَةٍ مِّنْ خَالَفِكُمْ ، مُوَالٍ لَّكُمْ وَلَا وِلْيَائِكُمْ ، مُبْغِضٌ

و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد، دوستدار شما و دوستان شما، دشمنانک نسبت

لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ ، سِلْمٌ لِّمَن سَالَكُكُمْ ، وَ حَرْبٌ لِّمَن

به دشمنان شما و دشمن آنان، در صلح با هر که با شما در صلح است و در جنگ با هر که با شما

حَارِبُكُمْ ، مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ ، مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ ، مُطِيعٌ لَّكُمْ ،

جنگید، حق می داند آنچه را شما حق دانستید، و باطل می داند آنچه را شما باطل دانستید، به فرمان شما،

عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ ، مُحْتَمِلٌ لِّعِلْمِكُمْ ، مُحْتَجِبٌ

عارف به حقتان هستم، به برتری شما اقرار دارم، تحمل کننده دانش شما، پرده نشین پیمان

بِذِمَّتِكُمْ ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ ،

و حرمت شما می باشم، به شما معترفم، به بازگشتتان مؤمنم، رجعتتان را تصدیق دارم

مُنْتَظِرٌ لِّأَمْرِكُمْ ، مُرْتَقِبٌ لِّدَوْلَتِكُمْ ، أَخَذَ بِقَوْلِكُمْ ، عَامِلٌ

چشم به راه فرمان شما، در انتظار حکومت شما به سر می برم، گیرنده گفته شما هستم، عمل کننده

بِأَمْرِكُمْ ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ ، زَائِرٌ لَّكُمْ ، لَا يَذُّ عَائِذُ بِقُبُورِكُمْ ،

به فرمان شما می باشم، پناهنده به شما، زائر شما هستم، ملتجی و پناهنده به قبر شما،

مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ ،

خواهنده شفاعت به درگاه خدای عز و جل به وسیله شما می باشم، و به سوی او به سبب شما تقرب می جویم،

وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي ، فِي كُلِّ أَحْوَالِي

و مقدم کننده شما پیش روی خواسته ام و حاجاتم و ارادتم در همه احوال

وَ أُمُورِي ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ ، وَ شَاهِدُكُمْ

و امورم، به نهن و آشکارتان، و حاضر

وَ غَائِبِكُمْ ، وَ أَوَّلُكُمْ وَ آخِرُكُمْ ، وَ مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ

و غائبتان، و اول و آخرتان ایمان دارم، و در همه اینها و گذارنده کار

إِلَيْكُمْ ، وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ ، وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ ، وَ رَأْيِي لَكُمْ

به شما، و در اینها به همراه شما تسلیمم، دلم تسلیم شماست، رأیم تابع

تَبِعٌ ، وَ نُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ [تَعَالَى] دِينَهِ وَ بِكُمْ ،

شماست، و یاری ام برای شما مهیاست، تا زمانی که خدا دینش را به وسیله شما زنده کند،

زیارت جامعہ کبیرہ

وَيَرْزُقُكُمْ فِي أَيَّامِهِ ، وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ ، وَيُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ ،

و شما را در ایامش بازگرداند، و برای عدالتش آشکارتان نماید، و در زمینش پابرجایتان فرماید،

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرُكُمْ (عَدُوَّكُمْ) ، آمَنْتُ بِكُمْ ، وَتَوَلَّيْتُ

پس با شمایم با شما، نه با غیر شما به شما ایمان آوردم، آخرین شما

آخِرُكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ

را دوست دارم، همانطور که اولین شما را دوست داشتم، به سوی خدا از دشمنانتان بیزاری می جویم

أَعْدَائِكُمْ ، وَمِنْ الْمَجْبِتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمْ ،

و نیز بیزاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان،

الظَّالِمِينَ لَكُمْ ، الْمَجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ ،

آن ستم کنندگان به شما، و منکران حقتان، و خارج شدگان از ولایتتان،

وَالْغَاصِبِينَ لِإِثْرِكُمْ ، الشَّاكِينَ فِيكُمْ ، الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ

و غصب کنندگان میراثتان، و شک کنندگان در حقانیتتان، و منحرف شوندگان از حضرتتان،

وَمِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَكُمْ ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ ، وَمِنْ الْأَئِمَّةِ

و از هر آنچه به غیر شما وارد در دین شده و از دین نیست، و از هر اطاعت شده ای جز شما، و از رهبرانی

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ، فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيْتُ عَلَى

که مردم را به آتش دوزخ می خوانند، پس خدا همیشه پابرجایم بدارد، تا که زنده ام بر

مُؤَالَاتِكُمْ ، وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ ، وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ ،

موالات و محبت و دین شما، و به اطاعت از شما موفقم فرماید،

وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ ، التَّابِعِينَ لِمَا

و شفاعت شما را نصیبم کند و مرا از برگزیدگان دوستانتان قرار دهد، و از پیروی کنندگان نسبت به آنچه شما

دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ ، وَيَسْلُكُ

به آن دعوت کردید، و مرا از آنانی قرار دهد که از آثار شما متابعت می کنند و به

سَبِيلِكُمْ ، وَيَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ ، وَيَكْرُ فِي

راه شما می روند، و به هدایت شما هدایت می جویند، و در گروه شما محشور می شوند، و در زمان رجعتتان دوباره به دنیا

رَجَعْتَكُمْ ، وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ ، وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ ، وَيُمْكِّنُ

بازمی گرداند، و در دولت شما به فرمانروایی می رسند، و در دوران سلامت کامل شما مفتخر می گردند، و در روزگار شما

زیارت جامع کبیره

فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَاكُمْ؛ يَا أَبَتِ أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي،

اقتدار می یابند، و فردا چشمان به دیدار شما روشن می شود، پدر و مادر و جان

وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنَّاكُمْ،

و خانواده و مالم فدای شما، هر که آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز می کند، و هر که او را به یکتایی پرستد،

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ. مَوَالِي لَا أَحْصَى ثَنَاءَكُمْ،

طریق توحیدش را از شما می پذیرد، و هر که قصد حق کند، به شما توجه می نماید، ای سرورانم، نمی توانم ثنای شما را

وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُتْمَكُمْ، وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ

شماره کنم، و در امر مداح گفتن قدرت رسیدن به حقیقت شما را ندارم، و در مقام وصف نمودن، توانایی بیان

نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَحُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ،

منزلت شما در من نیست، و حال آنکه شما نور خوبان و هادیان نیکان و حجت های خدای جبارید، خدا با شما آغاز کرد،

وَبِكُمْ يُخْتَمُ [اللَّهُ]، وَبِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ،

و با شما ختم می کند، و به خاطر شما باران فرو می ریزد، و تنها برای شما آسمان

أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ،

را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه می دارد، مگر با اجازه خودش، و به وسیله شما اندوه را می زداید،

وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ

و سختی را برطرف می نماید، و نزد شماست آنچه را بر رسولانش نازل فرموده، و فرشتگانش

مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدِّكُمْ، - وَاكْرُزِيَارْتِ امِيرِ مُؤْمِنَانِ عَلِيِّ بْنِ

به زمین فرود آورده اند، و به جانب جد شما

بِأَسْمَاءٍ، بِه جَای «وَالِی جَدِّكُمْ» بگو: وَإِلَى أَخِيكَ - بُعِثَ الرُّوحُ

و به سوی برادرت روح الامین

الْأَمِينُ. أَتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ؛ طَاطَا كُلُّ

برانگیخته شد، خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدی از جهانیان مرحمت نفرموده،

شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَجَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ

هر شرافتمندی در برابر شرف شما سر به زیر انداخته، و هر متکبری در مقابل طاعت شما گردن نهاده،

جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَ أَشْرَقَتْ

و هر جباری نسبت به برتری شما فروتن گشته است، و هر چیزی برای شما خوار شده است، و زمین

زیارت جامعہ کبیرہ

الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى

به نورتان روشن گشت، و رسیدگان به ولایت شما رستگار شدند با شما راه به سوی

الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ؛

بهشت را می توان پیمود، خشم حضرت رحمان است بر کسی که منکر ولایت شما شد،

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ،

پدر و مادر و جان و اهل و مالم فدای شما باد، یاد شما در قلوب یادکنندگان،

وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي

و نامتان در نامها، و تن هایتان در تنها، و ارواحتان در

الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ،

ارواح، و جانهایتان در جانها، و آثارتان در آثار،

وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءَكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ،

و قبرهایتان در قبرهاست، چه شیرین است نامهایتان، و گرامی است جانهایتان، و بزرگ است مقامتان،

وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَاجَلَّ خَطَرُكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، (وَأَصْدَقَ

و عظیم است مرتبه بلندتان، و با وفاست پیمانتان، و راست است

وَعْدَكُمْ) ! كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ

و عده تان، سخن شما نور، و دستور تان راهنما، و سفارشتان

التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ،

تقوا، و کارتان خیر، و روشنان احسان،

وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ،

و اخلاق و خویشتان بزرگواری، و کار و رفتار تان حق و راستی و مدارا،

وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ؛ إِنْ ذُكِرَ

و گفتار تان حکم و حتم، و رأیتان دانش و بردباری و دوراندیشی است، اگر از

الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ، وَأَصْلَهُ وَفَرَعَهُ وَمَعْدِنَهُ، وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ؛

خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایتش شماست،

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي

پدر و مادر و جانم فدای شما، چگونه ثنای نیکوی شما را وصف کنم، و آزمایشهای

جَمِيلَ بَلَائِكُمْ؟ وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا

زیبای شما را بشمارم، خدا ما را به وسیله شما از خواری درآورد،

غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ؛

و غمهای غرق کننده را از ما زدود، و ما را از پرتگاه هلاکتها و آتش دوزخ رهانید،

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا،

پدر و مادر و جانم فدای شما، خدا در پرتو دوستی شما، دستورات دینمان را به ما آموخت،

وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ،

و از دنیایمان آنچه که فاسد شده بود، اصلاح نمود، و به موالات شما دین کامل شد،

وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَاتَّלَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ

و نعمت عظمت یافت، و جدایی به گردهمایی رسید، و به موالات شما

الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالدَّرَجَاتُ

طاعت واجب شده پذیرفته می گردد، و برای شماست مودت واجب، و درجات

الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ (وَالْمَقَامُ) الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ

بلند، و مقام پسندیده، و جایگاه و جایگاه معلوم نزد خدای

عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ

عز و جلّ، و شرف عظیم، و رتبه کبیر، و شفاعت

الْمَقْبُولَةُ. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ

پذیرفته، ای پروردگار ما به آن چه نازل فرمودی ایمان آوردیم، و از پیامبر

الشَّاهِدِينَ. ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا

پیروی کردیم، پس ما را در شمار گواهان بنویس، ای پروردگار ما، دلهای ما را پس از اینکه هدایت نمودی

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. ﴿سُبْحَانَ رَبَّنَا، إِنْ

منحرف مکن، و به ما از نزد خود رحمت ببخش، همانا تو بسیار بخشنده ای، منزّه است پروردگار ما،

كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولٍ. ﴿يَا وَلِيَّ اللَّهِ (يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ)، إِنَّ بَيْنِي

که وعده پروردگار ما امری انجام یافته است ای ولی خدا به درستی

وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا، لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُم، فَبِحَقِّ

که بین من و خدای عز و جل گناهانی است که آنها را جز رضایت شما پاک نمی کند، پس به حق

زیارت جامعہ کبیرہ

مَنْ اِثْمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ ، وَاسْتَرَعَاكُمْ اَمَرَ خَلْقِهِ ، وَقَرَنَ

خدایی که شما را امین بر راز خود قرار داد، وزیر نظر گرفتن و زندگی بندگان را از شما خواست،

طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي ، وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي ، فَإِنِّي

و طاعت خود را به طاعت شما مقرون نمود، هر آینه بخشش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من شوید، که من

لَكُمْ مُطِيعٌ؛ مَنْ اطَاعَكُمْ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ

فرمانبردار شمایم، کسی که شما را اطاعت کرد، خدا را اطاعت نموده، و هر که از شما

عَصَى اللَّهَ ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ

نافرمانی نمود، خدا را نافرمانی کرده است، و هر که شما را دوست داشت، خدا را دوست داشته، و هر که شما را

أَبْغَضَ اللَّهَ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ اقْرَبَ اِلَيْكَ ، مِنْ

دشمن داشت خدا را دشمن داشته است. خدایا اگر من شفیعیانی را به درگاه تو نزدیک تر از

مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاَخِيَارِ ، الْاَئِمَّةِ الْاَبْرَارِ ، لَجَعَلْتُمْ شُفَعَائِي ،

محمد و اهل بیتش، آن خوبان و پیشوایان و نیکان می یافتم، آنها را شفیعان خود قرار می دادم

فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيَّكَ ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُدْخِلَنِي فِي

پس به حَقشان که برای آنان بر خود واجب کرده ای، مراد

جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ ، وَفِي زُمْرَةِ الْمُرْحومِينَ

گروه عارفان به آنها و آشنای به حَقشان، و در شمار رحم شدگان به شفاعت آن

بِشَفَاعَتِهِمْ ؛ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ؛ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ

بزرگواران وارد کن، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی، و درود خدا بر محمد و خاندان

الطَّاهِرِينَ ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا ؛ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .

پاکش و سلام خدا، سلامی بسیار، بر آنان باد، و خدا ما را بس است، و نیکو کار گشایی است.

مؤلف گوید: این زیارت را شیخ هم در کتاب «تهذیب»

نقل کرده، و علما بعد از این دعا دعای وداعی نقل

کرده اند که ما آن را به ملاحظه اختصار ذکر نکردیم.

این زیارت چنان که، علامه مجلسی فرموده، بهترین

زیارات جامعه، از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت است، و والد بزرگوارش در شرح من لا یحضره الفقیه فرموده: این زیارت احسن و اکمل زیارات است. و من تا در عتبات عالیات بودم، ائمه علیهم السلام را زیارت نکردم، مگر با این زیارت. شیخ ما در کتاب «نجم الثاقب» حکایتی نقل کرده که از آن استفاده می‌شود، باید به خواندن این زیارت مواظبت کرد، و از آن غافل نشد، و آن حکایت چنین است: جناب مستطاب تقی صالح، سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی، تاجر ساکن رشت (ایده الله) تقریباً در هفده سال پیش، به نجف اشرف مشرف شد، و با عالم ربّانی و فاضل صمدانی، شیخ علی رشتی (طاب ثراه) که در حکایت آینده ان شاء الله ذکر خواهند شد به منزل حقیر آمدند، چون برخاستند، شیخ به صلاح و سداد سید احمد بن هاشم اشاره کرد، و فرمود داستان شگفتی دارد، ولی در آن وقت مجال بیان نبود. پس از چند روزی شیخ علی را ملاقات کردم، فرمود سید رفت، اما داستان را با قسمتی از حالات سید برایم نقل کرد، از نشنیدن آنها از خود او، بسیار تأسف خوردم، گرچه مقام شیخ (رحمة الله علیه) بزرگتر از آن بود، که اندکی احتمال خلاف در نقل ایشان

برود، و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر من بود، تا در ماه جمادی الآخر این سال، از نجف اشرف برگشته بودم، در کاظمین سید صالح سید احمد بن سید هاشم را ملاقات کردم، که از سامره بازگشته، عازم ایران بود، پس شرح حال او را چنان که شنیده بودم پرسیدم، از آن جمله داستان معهود را مطابق شنیده من بیان کرد، و آن داستان این است که گفت: در سال هزار و دویست و هشتاد به قصد حج بیت الله الحرام از دارالمرز رشت، به تبریز آمدم، و در خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی منزل کردم چون قافله نبود سرگردان ماندم، تا حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی قافله‌ای را جهت رفتن به «طرابوزن» حرکت داد، به تنهایی از او مرکبی را کرایه نمودم و حرکت کردم. وقتی به منزل اول رسیدیم، سه نفر دیگر به تشویق حاج صفر علی به من ملحق شدند، حاج ملا باقر تبریزی، که به نیابت از جانب دیگران حج انجام می‌داد، و نزد علما معروف بود، و حاج سید حسین تاجر تبریزی، و مردی به نام حاج علی، که کارش خدمت به افراد بود، به اتفاق روانه شدیم تا به «ارزنه الروم» رسیدیم، و از آنجا عازم «طرابوزن» شدیم، در یکی از منازل بین این دو شهر، حاجی جبار جلودار نزد ما آمد و

گفت: این منزل که در پیش داریم بس ترسناک است، زودتر بار کنید که همراه قافله باشید، چون در سایر منازل غالباً با رعایت مقداری فاصله، به دنبال قافله حرکت می کردیم، ما هم حدود دو ساعت و نیم، یا سه ساعت به صبح مانده به اتفاق قافله حرکت کردیم، به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از محل حرکت دور شده بودیم، که هوا تاریک شد، و به طوری برف گرفت، که دوستان هر کدام سر خود را پوشانده به سرعت راندند، من هرچه تلاش کردم با آنها بروم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها شدم، از اسب فرو آمده، در کنار راه نشستم، درحالی که به شدت مضطرب بودم، زیرا نزدیک به ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم، و نمی دانستم عاقبت کار چه خواهد شد؟! پس از تأمل و تفکر، بنا را بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم، تا سپیده طلوع کند، سپس به همان محلی که از آنجا حرکت کردیم بازگردم، و از آنجا چند نفر نگهبان همراه خود برداشته، به قافله ملحق شوم، در آن حال در برابر خود باغی دیدم، و در آن باغ باغبانی بیل به دست به درختان بیل می زد که برفش بریزد، به طرف من آمد، به اندازه فاصله کمی ایستاد و فرمود: کیستی؟ عرض کردم:

دوستان رفتند، و من جا مانده‌ام، اطلاعی از جاده ندارم، مسیر را گم کرده‌ام، به زبان فارسی فرمود: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی من مشغول نافله شدم، پس از فراغت از تهجد، دوباره آمد و فرمود: نرفتی، گفتم: و الله راه را نمی‌دانم، فرمود: جامعه بخوان، من جامعه را حفظ نداشتم، و تاکنون هم حفظ ندارم، با آنکه مکرر به زیارت عتبات مشرف شده‌ام، از جای برخاستم و تمام زیارت جامعه را از حفظ خواندم، باز نمایان شد و فرمود: نرفتی، هنوز هستی؟ بی‌اختیار گریستم و گفتم: هستم راه را نمی‌دانم، فرمود: عاشورا بخوان، و عاشورا را نیز از حفظ نداشتم، و تاکنون نیز ندارم، پس برخاستم و از حفظ مشغول زیارت عاشورا شدم، تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم، دیدم باز آمد و فرمود: نرفتی، هستی؟ گفتم: نه تا صبح هستم، فرمود: من اکنون تو را به قافله می‌رسانم، رفت بر الاغی سوار شد، و بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: ردیف من بر الاغ سوار شو. سوار شدم، آنگاه عنان اسب خود را کشیدم، مقاومت کرد، و حرکت نکرد، فرمود عنان اسب را به من بده، دادم، پس بیل را به دوش چپ گذاشت، و عنان اسب را به دست راست گرفت، و به راه افتاد، اسب

در نهایت تمکین متابعت کرد، آنگاه دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود:

نافله، نافله، نافله

و باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود:

عاشورا، عاشورا، عاشورا

و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟

جامعه، جامعه، جامعه

و در هنگام طی مسافت دایره وار راه را پیمود، یک مرتبه برگشت و فرمود: اینانند دوستان شما، که در کنار نهر آبی فرود آمده، مشغول وضو برای نماز صبح هستند! من از الاغ پیاده شدم، که سوار مرکب خود شوم ولی نتوانستم، پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، و مرا بر مرکب نشاند، و سراسب را به جانب دوستان بازگرداند، من در آن حال به این خیال افتادم که این شخص کیست که با من به زبان فارسی حرف زد؟ و حال آنکه در آن حدود زبانی جز ترکی و غالباً مذهبی جز مذهب عیسوی نبود، و او چگونه به این سرعت مرا به دوستانم رساند؟! پس به پشت سر خود

زیارات جامع

نظر کردم، کسی را ندیدم، و از او اثری نیافتم، آنگاه به دوستان خود ملحق شدم.

زیارت سوم: زیارتی است که علامه مجلسی آن را در کتاب تحفة الزائر، زیارت هشتم از زیارتهای جامعه قرار داده، و فرموده: این زیارتی است که سید ابن طاووس، در ضمن دعاهاى عرفه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده، و در هر زمان، و هر مکان که باشد می توان آن را خواند به ویژه در روز عرفه، و زیارت این است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَآمِينَ عَلَى وَحْيِهِ؛ السَّلَامُ

بر تو ای برگزیده خدا، از میان آفریدگان، و آمین او بر وحی، سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای مولایم، ای امیر مؤمنان، سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَبَابُ عِلْمِهِ، وَوَحْيُ نَبِيِّهِ،

ای مولایم، تویی حجت خدا بر بندگان خدا، و دروازه علم خدا، و جانشین پیامبر خدا،

وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي أُمَّتِهِ؛ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضَبْتَكَ حَقَّكَ،

و خلیفه پس از او در امتش خدا لعنت کند امتی را که حق تو را غصب کردند،

وَقَعَدْتَ مَقْعَدَكَ؛ أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ إِلَيْكَ. السَّلَامُ

و به جای تو نشستند، من از آنان و پیروانشان بیزارم، سلام

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ الْبَتُولُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛

بر تو ای فاطمه بتول، سلام بر تو ای زینت بانوان جهانیان

زیارات جامع

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای دختر رسول پروردگار جهانیان، درود خدا بر تو

وَعَلَيْهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ ؛ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

و بر او باد، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین، خدا لعنت کند امتی

غَضَبَتِكَ حَقِّكَ ، وَمَنْعَتِكَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لِكَ حَلَالًا ؛ أَنَا بَرِيءٌ

را که حق تو را غصب کردند، و تو را از آنچه خدا برای تو حلال کرد منع نمودند، من به پیشگاه

إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا أَبَا

تو، از آنان و پیروانشان بیزارم، سلام بر تو ای مولایم، ای ابا

مُحَمَّدٍ ، الْحُسَيْنَ الزَّكِيَّ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ؛ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

محمد حسن زکی، سلام بر تو ای مولایم، خدا لعنت کند امتی

قَتَلْتِكَ ، وَبَايَعْتَ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعْتَ ؛ أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ

را که تو را کشتند، و در کار کشتن تو با یکدیگر همدست و همکار شدند، من در درگاه تو از آنان

شِيعَتِهِمْ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، الْحُسَيْنَ بْنَ

و پیروانشان بیزارم، سلام بر تو ای مولایم، ای ابا عبدالله ای حسین بن علی،

عَلَيَّ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ ، وَجَدَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

درود خدا بر تو، و بر پدر و جدت محمد درود خدا

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

بر او و خاندانش، خدا لعنت کند امتی را که خون تو را حلال شمردند، و خدا لعنت کند امتی

قَتَلْتِكَ ، وَاسْتَبَاخَتْ حَرِيمَكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ ،

را که تو را کشتند، و هتک حرمتت را مباح دانستند، و خدا لعنت کند همراهان و پیروانشان را،

وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ ؛ أَنَا بَرِيءٌ إِلَى

و خدا لعنت کند آنان را که زمینه‌های کار را برای قاتلان تو فراهم کردند، من به پیشگاه خدا

اللَّهُ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا مُحَمَّدٍ] ، عَلَيَّ

و به محضر تو از آنان بیزارم، سلام بر تو ای مولایم، ای ابا محمد علی

بَنَ الْحُسَيْنِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا جَعْفَرٍ] ، مُحَمَّدَ بْنَ

بن الحسین، سلام بر تو ای مولایم، ای ابا جعفر محمد بن

زیارات جامع

عَلِيٍّ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، جَعْفَرَ بْنَ

علی، سلام بر تو ای مولایم ای ابا عبد الله جعفر بن محمد،

مُحَمَّدٍ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا الْحَسَنِ] ، مُوسَى بْنَ

سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن موسی بن جعفر،

جَعْفَرٍ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا الْحَسَنِ] ، عَلِيٍّ بْنَ مُوسَى .

سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن علی بن موسی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا جَعْفَرٍ] ، مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ .

سلام بر تو ای مولایم ای ابا جعفر محمد بن علی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا الْحَسَنِ] ، عَلِيٍّ بْنَ مُحَمَّدٍ .

سلام بر تو ای مولایم ای ابا الحسن علی بن محمد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا مُحَمَّدٍ] ، الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ .

سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمد حسن بن علی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، يَا [أَبَا الْقَاسِمِ] ، مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ

سلام بر تو ای مولایم ای ابا القاسم محمد بن حسن

صَاحِبَ الزَّمَانِ ؛ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى عِترَتِكَ ، الطَّاهِرَةَ

صاحب زمان، درود خدا بر تو و بر عترت پاک

الطَّيِّبَةَ ؛ يَا مَوَالِيَّ ، كُونُوا شُفَعَاءِي فِي حَطِّ وِزْرِي وَ خَطَايَايَ ،

و پاکیزه‌ها، ای سرپرستان من، شما در ریختن بار گناه و خطاهایم شفیعیان من باشید،

أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ ، وَ أَتَوَالِي آخِرُكُمْ بِمَا أَتَوَالِي أَوَّلَكُمْ ،

من به خدا و آنچه به شما نازل شده، ایمان آوردم، و دوست دارم آخرین شما را همانگونه که دوست دارم اولین شما را،

وَ بَرِئْتُ مِنَ الْحَبِثِ وَ الطَّاغُوتِ ، وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى ؛ يَا مَوَالِيَّ ،

و از جبت و طاغوت و لات و عزی (نام بتهای زمان جاهلی در مکه) بیزار شدم، ای سرپرستان من

أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ،

در صلح، با آنکه با شما صلح کرد، و در جنگ با آن که با شما جنگید و دشمنم با کسی که با شما دشمنی ورزید،

وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ

و دوستم با کسی که با شما دوستی کرد، تا روز قیامت، خدا ستم‌کنندگان بر شما

وَ غاصِبِیْکُمْ ، وَلَعَنَ اللّٰهُ اَشِیَاعَهُمْ وَ اَتْبَاعَهُمْ ، وَ اَهْلَ

و غاصبان حق شما را لعنت کند و خدا شیعیان و پیروان اهل مذهب آنان را لعنت نماید،

مَذْهَبِهِمْ ، وَ اَبْرَأُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَیْکُمْ مِنْهُمْ .

من به پیشگاه خدا و شما، از آنان بیزاری می جویم.

زیارت چهارم: زیارت معروف به امین الله می باشد، که

ابتدایش: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِينَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ ، وَ حُجَّتِهِ عَلٰی

عِبَادِهِ ؛ اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ ... تا پایان زیارت، که در

زیارتهای حضرت امیر مؤمنان علیّه السلام گذشت، زیرا ما آن را

زیارت دوم آن حضرت قرار دادیم.

زیارت پنجم: زیارت الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَشْهَدَنَا مَشْهَدَ اَوْلِيَائِهِ

فِي رَجَبٍ ... است که در اعمال ماه رجب ذکر شد. پس آنچه

از زیارات جامعه در این کتاب مبارک است پنج زیارت

است، و ان شاء الله تعالی کفایت می کند.

مقام دوم: در رابطه با دعایی است که پس از زیارت بریک از امامان خوانده می شود.

سید ابن طاووس فرموده: مستحب است این دعا بعد از

زیارت ائمه علیهم السلام خوانده شود:

اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ ذُنُوْبِيْ قَدْ اَخْلَقْتَ وَجْهِيْ عِنْدَكَ ، وَحَجَبْتَ

خدایا اگر گناهانم مرا در پیشگاه تو بی آبرو نموده، و دعایم را

دُعَائِيْ عَنْكَ ، وَحَالَتْ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ ، فَاسْأَلْكَ اَنْ تُقْبَلَ عَلَيَّ

از تو پوشانده، و میان من و تو پرده گشته، از تو می خواهم، که به سوی من با

بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ ، وَتَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ ، وَتُنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ ،

جلوه کریمت رو آوری، و رحمت را بر من بگسترانی، و برکات را بر من نازل کنی،

وَ اِنْ كُنْتَ قَدْ مَنَعْتَ اَنْ تَرْفَعَ لِيْ اِلَيْكَ صَوْتًا ، اَوْ تَغْفِرَ لِيْ ذَنْبًا ،

و اگر گناهانم مانع شده، که از من به جانب خود صدایی را بالا بری، یا برایم گناهی را ببامری،

اَوْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيْئَةٍ مُّهِلْكَةٍ ، فَهَا اَنَا ذَا مُسْتَجِرٍ بِكَرَمِ

یا از خطای هلاک کننده ای گذشت کنی، اینک من آنم، که پناه جوینده به کرم

وَجْهِكَ ، وَعِزِّ جَلَالِكَ ، مُتَوَسِّلٌ اِلَيْكَ ، مُتَقَرِّبٌ اِلَيْكَ ،

جلوه، و عزت جلال توام، متوسل به سوی تو، و متقرب به جانب توام،

بِاَحَبِّ خَلْقِكَ اِلَيْكَ ، وَ اَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ ، وَ اَوْلَاهُمْ بِكَ ،

به محبوبترین آفریدات در پیشگاه تو، و گرامی ترینشان نزد تو، و شایسته ترینشان به تو،

وَ اَطْوَعِهِمْ لَكَ ، وَ اعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً وَ مَكَانًا عِنْدَكَ ، مُحَمَّدٌ

و فرمانبردار ترینشان برای تو، و بزرگترینشان در منزلت و موقعیت نزد تو، محمد،

وَبِعِزَّتِهِ الطَّاهِرِيْنَ ، الْاِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيَّيْنَ ، الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيَّ

و به عزت پاکش، پیشوایان رهنما و ره یافته، آنان که طاعتشان را بر

خَلْقِكَ طَاعَتُهُمْ ، وَاَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ ، وَ جَعَلْتَهُمْ وُلاَةَ الْاَمْرِ مِنْ

بندگان واجب نمودی، و به مودتشان امر فرمودی، و آنان را

بَعْدَ رَسُوْلِكَ ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ ؛ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ،

پس از پیامبرت، درود خدا بر او و خاندانش، متولیان حکومت قرار دادی، ای خوار کننده هر گردنکش لجوج، و ای عزیز

وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِيْنَ ، بَلَغْ مَجْهُودِيْ ، فَهَبْ لِيْ نَفْسِي السَّاعَةَ ،

کننده مؤمنان، تاب و توانم به سر رسید، پس همین ساعت مرا ببخش، و رحمتی را از جانب خود به من عنایت کن،